

ارزیابی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و تعلق مکانی با رویکرد فضایی مطالعه موردی: مناطق روستایی شهرستان رودبار

سیده فاطمه امامی - کارشناس پژوهشی گروه مطالعات ناحیه‌ای، پژوهشکده محیط زیست جهاد دانشگاهی گیلان، رشت، ایران

سمیرا محمودی^۱ - استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه گیلان، رشت، گیلان، ایران

مجید یاسوری - استاد گروه جغرافیا، دانشگاه گیلان، رشت، گیلان، ایران

علیرضا دربان آستانه - دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۵

چکیده

مفهوم حس تعلق مکانی در میزان و نوع روابط بین افراد جامعه تأثیر می‌گذارد و این رابطه در گروه‌های اجتماعی که به مکان خاصی اختصاص دارند، باعث افزایش سرمایه‌های اجتماعی و اعتماد آنان می‌گردد. هدف از پژوهش حاضر، تحلیل فضایی رابطه بین سرمایه اجتماعی و تعلق مکانی در مناطق روستایی شهرستان رودبار است. این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر رویکرد توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری تحقیق، روستاهای استان گیلان واقع در شهرستان رودبار با تعداد ۱۸ روستا و مجموع ۲۹۵۵ نفر جمعیت می‌باشد. ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه است. تعداد نمونه‌ها با استفاده از جدول مورگان، ۴۵۰ نفر تعیین شد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که توزیع فضایی تعلق مکانی به صورت شمالی-جنوبی است و روستاهای مناطق مرکز به سمت جنوب غرب کم‌ترین حس تعلق و روستاهای شمال دارای بهترین وضعیت می‌باشند. در زمینه توزیع فضایی سرمایه اجتماعی نیز بهترین وضعیت را روستاهای واقع در بخش مرکزی و کم‌ترین توزیع فضایی را عمدتاً جنوب غرب شهرستان و بخشهایی از جنوب شرقی را دربر می‌گیرد. یافته‌ها نشان داد، براساس ضریب تعیین R^2 ، ۷۸/۱ درصد از واریانس سرمایه اجتماعی در خانوارهای روستایی مورد مطالعه، توسط ۳ شاخص عملکردی، ادراکی و محیطی تعلق مکانی قابل تبیین است. ضریب بتا (Beta) نیز حاکی از آن است که، شاخص ادراکی تعلق مکانی با بتای ۰/۵۵۰ بیشترین میزان تأثیر را بر سرمایه اجتماعی روستاهای مورد مطالعه داشته است. با این وصف می‌توان گفت، تعلق به مکان در بین خانوارهای روستایی عامل مهمی در شکل‌گیری پایه‌های ارتباطی استفاده‌کنندگان و محیط‌زیست می‌باشد که منجر به ایجاد محیط‌های با کیفیت در مناطق روستایی خواهد گردید. این حس می‌تواند زمینه مساعدی برای ایجاد دموکراسی مشارکتی فراهم سازد و اجرای برنامه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی را در اجتماع محلی با توفیق چشمگیری همراه کند و کیفیت زندگی را بهبود بخشد.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، تعلق مکانی، جوامع روستایی، دلبستگی، شهرستان رودبار.

مقدمه

در جغرافیا، مفهوم مکان، بعنوان یک واحد تحلیل برای ادغام مفاهیم طبیعی و علوم اجتماعی عمل می‌کند (Sack, 1997; Patterson & Williams, 2005; Brown & Raymond, 2007: 91). بعبارتی، در حالی که فضا را گستره‌ای باز و انتزاعی می‌بینیم، مکان بخشی از فضا است که بوسیله‌ی شخصی یا چیزی اشغال شده است و دارای بار معنایی و ارزشی است. در واقع، مداخله‌ی انسان می‌تواند در ماهیت مکان تأثیر بگذارد و به آن شکل بدهد (پرتوی، ۱۳۹۴: ۷۱-۷۳). رلف^۱ در کتاب مکان و بی‌مکانی^۲ می‌نویسد: مکان‌ها ترکیبی از نظم طبیعی و نظم انسانی هستند و از مراکز با اهمیت تجارب بلا فصل ما از جهان محسوب می‌شوند. او در پاسخ به این پرسش که «چرا و چگونه مکان‌ها برای مردم واجد معنی می‌گردند؟» درباره‌ی ارتباط بین فضا و مکان و اینکه اشخاص چه نوع فضاهایی را تجربه می‌کنند و این تجارب فضایی چه ارتباطی با حس مکان آن‌ها دارند، سخن می‌گوید. از نظر وی، خاصیت اصلی مکان در توان آن برای نظم‌دهی و تمرکز بر مقاصد، تجربه و رفتار بشری به طور فضایی^۳ نهفته است (پرتوی، ۱۳۹۴: ۷۵). ساختار مکان را می‌توان در دانش‌واژه‌هایی چون «چشم‌انداز» و «مجموع زیستی» توصیف نمود و سپس با طبقه‌بندی‌های «فضا» و «کاراکتر» آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. در حالی که فضا نشان‌دهنده‌ی نحوه‌ی سازماندهی سه بعدی عناصری است که مکان را می‌سازد، کاراکتر به وجود اتمسفر عمومی مکان اشاره می‌کند که در واقع جامع‌ترین خاصیت هر مکانی است. البته در پدیدارشناسی مکان، می‌توان به جای تمایز بین فضا و کاراکتر، از مفهوم جامع‌تری چون «فضای زیسته»^۴ استفاده کرد. فضای زیسته به معنی فضا، آنگونه که تجربه شده است، می‌باشد و ارتباط نزدیکی با زیست جهان^۵ دارد (پرتوی، ۱۳۹۴: ۷۸). در این چارچوب گفتنی است، پدیدارشناسی فضای زیسته بر این فرض مبتنی است که فضاها حجم‌های خالی نیستند که گاهی کیفیتها و معانی به آن اضافه شود، بلکه فضاهای زیسته، زمینه‌ها و محتواهای معنی دار و ضروری برای همه اقدامات و اعمال بشری هستند (Stefanovic, 1994: 127). یا بعبارت دیگر، وقوع انباشت سرمایه در بسترهای تاریخی و جغرافیایی است که صورت گرفته و فرم‌های خاص فضایی را به وجود می‌آورد؛ به گونه‌ای که بنا به اعتقاد هاروی، «روند سرمایه عامل اصلی تولید و تحول فضا است» (افراخته و حجی‌پور، ۱۳۹۳: ۴۶). طی چندین دهه گذشته، الگوی مدیریتی حاکم بر کشورهای در حال توسعه به ویژه کشور ما، تمرکزگرا بوده است (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۶)؛ که از جمله مهم‌ترین چالش‌ها در این راستا، توجه نکردن به سرمایه اجتماعی روستاییان است (قربانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۳۸). بطوریکه مسئله‌ای که امروزه بسیاری از پژوهشگران روستایی کشور بر آن تأکید می‌کنند، این است که سطح مشارکت‌های روستاییان بنا به وجود عوامل متفاوت در فرایند مدیریت روستایی کشور بسیار کم است (عبداللهیان و همکاران، ۱۳۸۵). از همین رو، امروزه تغییر نگرش برنامه‌ریزان منجر به تحول عظیمی در روند مدیریت روستایی و استفاده از نیروهای مردمی در فرایند تصمیم‌سازی و برنامه‌ریزی روستایی شده است (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۶). در این راستا اندیشمندان معتقدند که در صورت فقدان سرمایه اجتماعی در جوامع، مشارکت مردمی و از پایین به بالا هیچ شانس برای موفقیت ندارد. مفهوم سرمایه اجتماعی با توجه به روند جهانی شدن و تضعیف نقش دولت‌های ملی، به عنوان راه حلی اجرایی در سطح اجتماعات محلی برای مشکلات توسعه، مورد توجه سیاست‌گذاران و مسئولان سیاست اجتماعی قرار گرفته است (Warner, 1999: 126). در این چارچوب، رابطه بین فضا و بستر اجتماعی آن به صورت یک فرآیند دو طرفه است که در آن مردم و جوامع، فضاها را بوجود آورده و تغییر می‌دهند؛ در

1 .Relph

2 .Place & Placelessness

3 .spatially

4 .Lived space

5 .Life- world

حالی که این مردم خود به طرق مختلف تحت تأثیر این فضاها قرار دارند؛ تعاملات اجتماعی می‌تواند در فضا شکل بگیرد و همچنین توسط شکل فضا مورد تهدید قرار می‌گیرد و یا فضا، واسطه‌ی برقراری روابط اجتماعی می‌گردد (مدیری و ادهمی، ۱۳۹۴، ۱۹۳). از این رو ترکیبی از این رویکردها می‌تواند نه تنها فهم عمیق‌تری از تأثیرگذاری احساس تعلق و دلبستگی ما از مکان بر برنامه‌ریزی‌های توسعه مبتنی بر رخدادهای اجتماعی بدهد، بلکه از آن می‌توان در ارتقای این احساس تعلق و تلاش در جهت بهبود فضای زیست و برنامه‌ریزی‌های مکانی - فضایی بهره جست. لذا در مقاله حاضر این هدف اساسی دنبال می‌شود که ارتباط بین تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی در مناطق روستایی با رویکرد فضایی ارزیابی و تبیین گردد.

به طور کلی تحقیقاتی در زمینه ارتباط سرمایه اجتماعی و حس تعلق مکانی و دلبستگی به مکان صورت پذیرفته که در ذیل به آن‌ها اشاره شده است:

رامیار و ضرغامی در سال ۱۳۹۶ در مقاله‌ای با عنوان "تأثیر دلبستگی به مکان بر سرمایه اجتماعی در محیط‌های مشترک همسایگی" که با هدف بررسی دلبستگی به مکان و افزایش سرمایه اجتماعی پرداختند، با کمک روش تحلیل مدلیابی معادلات ساختاریافته که تکنیک تحلیل نیرومندی از خانواده رگرسیون چندمتغیره است، ارتباط میان سه مفهوم دلبستگی مکانی، مشارکت اجتماعی و سرمایه اجتماعی را نشان دادند. نهایتاً مشخص شد که دلبستگی مکانی و مشارکت هر دو تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر سرمایه اجتماعی دارند و همچنین مشارکت تأثیر زیادی بر تعلق دارد. نقدی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان "نقش سرمایه‌های اجتماعی در دلبستگی به مکان در محلات سنتی (نمونه موردی: محلات شهر همدان)" به نقش سرمایه‌های اجتماعی در دلبستگی به مکان در محلات سنتی شهر همدان پرداخته است. در این پژوهش از روش توصیفی - تحلیلی و از شیوه‌های مرور متون، منابع و اسناد تصویری استفاده شد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که سرمایه‌های اجتماعی یک مکان تأثیر معنی داری در فرآیند دلبستگی مکانی افراد نسبت به مکان‌های مورد مطالعه دارد. در این روند و در فرآیند دلبستگی به مکان چهار عنصر انسان، مکان، ارزشهای اجتماعی مکان و زمان، به عنوان بعد چهارم نقش موثری را می‌تواند در طراحی و ارتقای دلبستگی افراد به محلات شهری داشته باشند به طوری که زمان می‌تواند با عواملی چون گذشته تعاملی با مکان، خاطرات و رویدادها، طول مدت آشنایی افراد با یک مکان، میزان حضور و استفاده از آن و خاطره انگیزی مکان نقش مهمی در فرآیند دلبستگی به مکان داشته باشد.

زنگنه و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای به "بررسی تعلق مکانی و سرمایه‌های اجتماعی بر بهسازی مشارکت محلات قدیمی سبزوار" پرداخته و به این نتیجه رسیده اند که دو متغیر سرمایه‌های اجتماعی و تعلق مکانی، تأثیر معنی داری بر سطح مشارکت ساکنان در بهسازی محله دارند. رهنما و رضوی (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان "بررسی تأثیر حس تعلق مکانی بر سرمایه اجتماعی و مشارکت در محلات شهر مشهد" به معرفی کاربرد مدل‌های ساختاری (به علت چند بعدی بودن ابعاد بررسی و وجود متغیرهای مکنون) در حوزه مطالعات شهری پرداخت. در این تحقیق تحلیلی و همبستگی، نمونه‌ای ۵۰۰ نفری از ساکنان محلات منطقه ۴ و ۱۱ شهر مشهد به عنوان نمونه انتخاب شده و هر یک از متغیرهای سه‌گانه تحقیق، که عبارتند از حس تعلق مکانی، مشارکت و سرمایه اجتماعی، با استفاده از روش تحلیل عاملی اکتشافی مورد بررسی قرار گرفت و سپس چهار مدل از چگونگی روابط متفاوت میان متغیرها تهیه شد. نتایج آنها نشان می‌دهد؛ مدل تأثیرگذاری حس تعلق مکانی در افزایش سرمایه اجتماعی از طریق متغیرهای واسطه، مشارکت، بهتر از سایر شاخص‌ها این روابط را تبیین می‌کند، به عبارت دیگر در یک رابطه علی غیرمستقیم، تقویت حس تعلق مکانی باعث افزایش مشارکت و افزایش سرمایه اجتماعی می‌گردد. سوینی^۱ و همکاران (۲۰۱۲) بر مبنای حس تعلق مکانی به

بررسی برداشت ساکنان روستایی از چشم‌انداز منطقه نورمیجاوری در نزدیکی متروپلیتن هلسینکی جنوب فنلاند پرداخته‌اند. به این منظور، نمونه‌ها در چهار خوشه (دارای همبستگی اجتماعی، دارای پیوندهای ضعیف، ریشه‌های فرهنگی مشابه و متعهد به مکان) گروه‌بندی شدند. این خوشه‌ها بویژه خوشه‌های فرهنگی برحسب پایگاه اجتماعی-اقتصادی و نیز تعلق مکانی متفاوت بودند. براساس نتایج پژوهش، حس تعلق مکانی قوی به محافظت و نگهداشت مکان منجر می‌شود. دالاگو^۱ و همکاران در سال ۲۰۰۹ در پژوهشی با عنوان "تعلق مکانی، سرمایه اجتماعی و امنیت ادراک شده در بین نوجوانان: مقایسه در سطح ۱۳ کشور" که با هدف بررسی تفاوت‌های ادراکی دانش‌آموزان ۱۵ ساله از مفاهیم مذکور انجام داده‌اند؛ فرضیه پیشنهادی‌شان بر این اساس بوده است که تعلق مکانی، پیش‌بینی کننده‌ی ادراک امنیت می‌باشد و این رابطه‌ی متقابل بر وجود سرمایه اجتماعی متمرکز است. بر این مبنای نتایج تحقیق نشان داد که علی‌رغم تفاوت‌های میان-فرهنگی در ادراک همسایگی، مدل نظری پیشنهاد شده در همه‌ی این ۱۳ کشور بشدت صادق است. لویکا^۲ (۲۰۰۵) در مقاله خود با عنوان "راه‌های فعال ساختن مردم: نقش تعلق مکانی، سرمایه فرهنگی و روابط محله‌ای"، دو مسیر جایگزین را که منجر به فعالیت مدنی می‌گردد را پیشنهاد نمود: ۱- مسیر اجتماعی-عاطفی که در آن رابطه تعلق مکانی و فعالیت مدنی از طریق سرمایه اجتماعی محلی (روابط محله‌ای) مورد بررسی است و ۲- مسیر فرهنگی متشکل از سرمایه فرهنگی و علاقه به ریشه‌ها است. در این مطالعه، نمونه‌ها از سه منطقه‌ی لهستان که به لحاظ تاریخی و ریشه‌های فرهنگی متفاوت بودند، انتخاب شد. با انجام معادلات ساختاری، مدل دو طرفه مبنی بر مسیر اجتماعی-عاطفی و مسیر فرهنگی، در هر یک از سه منطقه بطور جداگانه تأیید شد. همچنین نتایج مشابهی از یک تجزیه و تحلیل جداگانه بر روی داده‌های خوشه‌ای نیز بدست آمد. پایتون^۳ (۲۰۰۳) در پایان نامه خود تأثیر تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی را بر عملکرد مدنی در ارتباط با حفظ و مدیریت منابع طبیعی مورد مطالعه قرار داده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ارتباط معنی داری بین تعلق مکانی، سرمایه اجتماعی و عملکرد مدنی در ارتباط با حفظ و مدیریت منابع طبیعی وجود دارد. از این رو مدیران می‌توانند با توجه به تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی بازدیدکنندگان و استفاده کنندگان از محیط‌های طبیعی در جهت طراحی برنامه‌های مشارکتی شهروندی بهره ببرند.

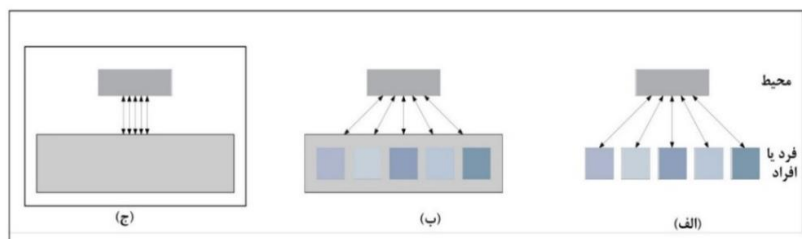
مروری بر پژوهش‌های صورت گرفته نشان می‌دهد، بویژه در سال‌های اخیر، مطالعات متعددی در زمینه‌ی تعلق به مکان در علوم مختلف همچون شهرسازی، معماری، روانشناسی محیطی و ... انجام پذیرفته است. اما به رغم جایگاه ویژه و پراهمیتی که مکان در مطالعات جغرافیا و برنامه‌ریزی بویژه برنامه‌ریزی روستایی-با توجه به اینکه امروزه روستاها با مسائل عدیده‌ای همچون مهاجرت، مشکلات اقتصادی، تهدیدات زیست‌محیطی، تضعیف روابط درون‌گروهی و کمبود تعاملات برون‌گروهی و ... مواجه‌اند، دارد، متأسفانه جای این نوع مطالعات در این رشته بسیار خالی است و اندک پژوهش صورت گرفته نیز عمدتاً در حوزه‌ی جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری بوده است. همچنین مروری بر پژوهش‌ها حاکی از آن است که توجه به ارتباط مؤثر بین تعلق به مکان و سرمایه اجتماعی روستاییان با رویکرد فضایی در متون داخلی و خارجی کمتر مورد توجه بوده است. از همین رو، پژوهش حاضر به جهت آن که به ارزیابی ارتباط بین تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی با رویکردی کاملاً جغرافیایی و فضایی می‌پردازد، از سایر مطالعاتی که در این چارچوب مفهومی تاکنون صورت پذیرفته، متمایز می‌گردد.

1 .Dallago
2 .Lewicka
3 .Payton

مبانی نظری

در گذشته بسیاری از جغرافیدانان، هدف و موضوع اصلی جغرافیا را مطالعه مکان و فضا می‌دانستند، ولی امروزه بسیاری به اهمیت فضا و مکان در فرایندهای اجتماعی توجه و آن را تجزیه و تحلیل می‌کنند، این چرخش را می‌توان در آثار علمی گیدنز، فوکو، بوردیو، لوفور، هاروی، گریگوری، سوگا و دیگران مشاهده کرد (رضوانی و احدی، ۱۳۸۸: ۴۶). در این چارچوب چنانچه به توسعه از منظر پایداری بنگریم، جلوگیری از تولید فقر انسانی و اجتماعی انبوه ناشی از اجرای سیاست‌های اقتصادی و توسعه‌ای، یکی از اهداف و اولویت‌های اصلی پایداری توسعه خواهد بود و جامعه‌ای که با فقر و نابرابری فزاینده، مشارکت کمتر و ریسک‌های اجتماعی بیشتری مواجه باشد از نظر اجتماعی، جامعه پایداری نخواهد بود. از این رو برای پایداری اجتماعی ضروری است که عدالت اجتماعی، مشارکت مردم در اداره امور و اجتماع بلافصل‌شان، امنیت انسانی و یکپارچگی اجتماعی در دستور کار توسعه قرار گیرد (جباری، ۱۳۸۴: ۴۰۳). از این رو، سرمایه اجتماعی از مفاهیم نوینی است که امروزه در بررسی‌های اقتصادی و اجتماعی و همچنین برنامه‌ریزی‌های توسعه جوامع مدرن مطرح گردیده است. سرمایه اجتماعی ضمن شکل‌دهی به مجموعه قواعد و قوانین اخلاقی و رفتاری هر جامعه، به رفتار افراد نیز شکل می‌دهد و کمک می‌کند تا سرمایه انسانی و سرمایه مادی و اقتصادی بتوانند با هم و در تعامل با یکدیگر به رشد و پویایی دست یابند. در واقع، سرمایه اجتماعی با استفاده از همانندی‌ها و همسانی‌های افراد جامعه از جهات گوناگون، باعث ایجاد روحیه اعتماد متقابل می‌شود. بر این اساس سرمایه اجتماعی می‌تواند با تأمین اعتماد افراد، امنیت برای افراد و مشارکت جمعی، زمینه را جهت جذب گردشگر، افزایش سرمایه‌گذاری و نهایتاً توسعه اقتصادی فراهم نماید (بیدختی و شریفی، ۱۳۹۱: ۱۲۵).

از سوی دیگر، از واکاوی ادبیات مربوط به سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار پیام مکرری که دریافت می‌شود، این است که روابط اجتماعی فرصت‌هایی هستند برای بسیج منابعی که مشوق رشد هستند، دیگر اینکه سرمایه اجتماعی بدون ارتباط با فضا و متن اجتماعی نمی‌تواند زمینه‌ساز الگوی برنامه‌ریزی فضایی راهبردی محلی باشد و در نهایت، ماهیت و گستره بین اجتماعات و نهادها، کلید فهم چشم‌اندازهای توسعه در جامعه است. همچنین به اعتقاد بسیاری از اندیشمندان، فرهنگ معاصر بطور روزافزون متأثر از اقتصاد فضا و منطق فضایی است و هیجان عصر ما، اساساً مربوط به شکل فعالیت‌ها در فضا می‌باشد. جریان فعالیت‌ها در فضا، در تبیین و چرایی تحول پدیده‌ها و ایجاد سازمان فضایی ویژه نقش اساسی دارد. بنابراین ارائه فهمی رضایت‌بخش از روابط و فرایندهای اجتماعی، وابسته به اشکال فعالیت‌های فضایی می‌باشد. تبیین عملکرد فضا متأثر از سه مسأله‌ی فضا، زمان و سازوکارهای اقتصادی و اجتماعی است (مطیعی لنگرودی و همکاران، ۱۳۹۳؛ به نقل از افتخاری و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۹-۸۸). در این چارچوب، به محیط‌های همسایگی در میان فضاهای سکونت‌ی توجه بیشتری می‌شود. این محیط‌ها تنها فضایی کالبدی نیستند، بلکه در آنها پتانسیل‌های ذاتی فضا و افزایش میزان کاربران از فضا، منجر به بروز کشش‌های جمعی در فرد می‌شود تا روابط حسی خود را در محیط گسترش دهد و به روابط اجتماعی روی آورد و موضوع مشترک محیطی باعث شکل‌گیری اجتماعی در بستر مکان می‌شود (رامیار و ضرغامی، ۱۳۹۶: ۴۰)؛ (شکل ۱).

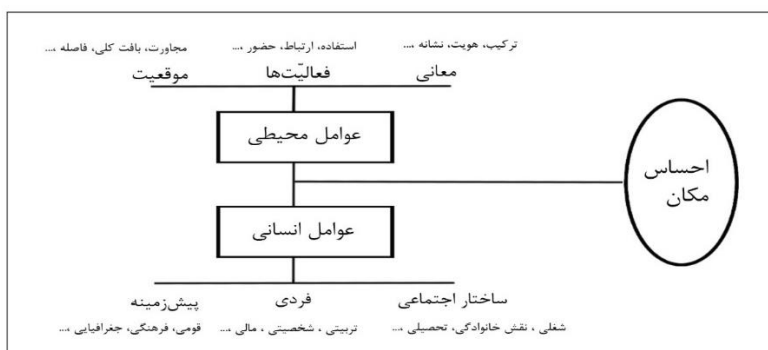


شکل شماره ۱. برقراری ارتباط با محیط مشترک (الف)، باعث شکل‌گیری احساساتی مشترک نسبت به موضوع مورد اشتراک یعنی محیط می‌شود (ب) که خود تأثیراتی بر احساسات، رفتارها و ادراکات فردی و نیز جمعی می‌شود (ج) (رامیار و ضرغامی، ۱۳۹۶: ۴۰).

از سوی دیگر، یکی از پایه‌های اصلی توجه به پایداری سکونتگاه‌ها و کاهش مهاجرت در برنامه‌ریزی و توسعه روستایی این است که ساکنان این مناطق به محیط سکونت و زیست خود تعلق خاطر داشته باشند (فلاحت، ۱۳۸۵). در واقع، احساس دلبستگی هر شخص به زادگاه و محل زندگی خود می‌تواند اثرات چشمگیری در جوامع روستایی برجا گذارد. حس قوی تعلق به مکان، بیشتر در اجتماعات روستایی منزوی و جدا افتاده مفهوم می‌یابد و منشأ همبستگی اجتماعی و انعطاف‌پذیری بویژه در مواقع فشار اقتصادی و یا بلایای طبیعی در جامعه است، (Caldwell & Bovd, 2009; Abbott-Chapman et al, 2014: 297). همچنین تعلق به مکان در بین خانوارهای روستایی عامل مهمی در شکل‌گیری پایه‌های ارتباطی استفاده‌کنندگان و محیط‌زیست می‌باشد که منجر به ایجاد محیط‌های با کیفیت در مناطق روستایی خواهد گردید (Gustafson, 2001). این حس می‌تواند زمینه مساعدی برای ایجاد دموکراسی مشارکتی فراهم سازد (Hernandez et al, 2010) و اجرای برنامه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی را در اجتماع محلی با توفیق چشمگیری همراه کند و کیفیت زندگی را بهبود بخشد (جوان فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰؛ به نقل از صادقی و همکاران، ۱۳۹۷، ۵۴-۵۳). عبارت دیگر، مفهوم حس تعلق مکانی در میزان و نوع روابط بین افراد جامعه تأثیر می‌گذارد و این رابطه در گروه‌های اجتماعی که به مکان خاصی اختصاص دارند، باعث افزایش سرمایه‌های اجتماعی و اعتماد آنان می‌گردد (CURDS, ICCHS & BR & C, 2009؛ به نقل از رهنما و رضوی، ۱۳۹۱: ۳۲). البته از سوی دیگر، چنانکه لویکا (۲۰۱۳) اظهار می‌دارد، ماهیت رابطه بین تعلق به مکان و وضعیت اجتماعی تا حد زیادی حل نشده باقی مانده است. تعلق مکانی گاه با وضعیت اجتماعی و آموزشی پایین (Lewicka, 2005) و گاه بالا (Karnnich and Greider, 1984) همراه است (Lewicha, 2013: 43).

مفهوم تعلق مکانی از نظریه‌های روانشناسی و جغرافیای رفتاری گرفته شده است (Ram et al, 2016: 112) و نشان‌دهنده‌ی رابطه عاطفی شخص به مکان و مناطق جغرافیایی است (Lee & Shen, 2013). این ارتباط عاطفی بین شخص و مکان در روانشناسی، به عنوان دلبستگی به مکان یا تعلق به مکان شناخته شده است (Ram et al, 2016؛ به نقل از صادقی و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۳). دلبستگی مکانی در زمینه اجتماعی محیط‌های مسکونی گویای اهمیت معنای مکان برای اعضای اجتماع و نیز اهمیت آن در مشارکت اعضای اجتماع و نیز اهمیت آن در مشارکت اعضای همسایگی در اتخاذ تصمیمات در مورد مکان است. بطور مثال برخی پروژه‌های توسعه از آن جهت که باعث تغییراتی در محیط می‌شوند و ویژگی‌هایی از محیط را که مطلوب و مورد توجه برخی از اعضای اجتماع هستند را در معرض تهدید قرار می‌دهد، می‌تواند تهدیدی برای احساس دلبستگی‌شان به محیط شود که واکنش‌هایی را مطمئناً در پی خواهند داشت. شدت این احساس می‌تواند باعث انزوای فرد و یا حس بیگانگی در افراد گردد. با این وصف، احساس مکان می‌تواند از طریق مجموعه‌ای از معناهای نمادین، احساس وابستگی و رضایت از موقعیت‌های کالبدی در حضور فرد

و یا مشارکت گروهی بدست آید (رامیار و زرغامی، ۱۳۹۶: ۴۱). برای جغرافیدانان انسانی، پیوند مردم با معانی که فضاها ارائه می‌دهند، ارتباطی فراگیر است که نیازهای بنیادی انسانها را تحقق می‌بخشد (Mihaylov & Perkins, 2014: 61). همانطور که در تصویر شماره ۲ مشاهده می‌شود، احساس مکان را می‌توان منبعث از دو عامل انسانی و محیطی دانست که فراهم‌کننده‌ی این چارچوب فضایی است.



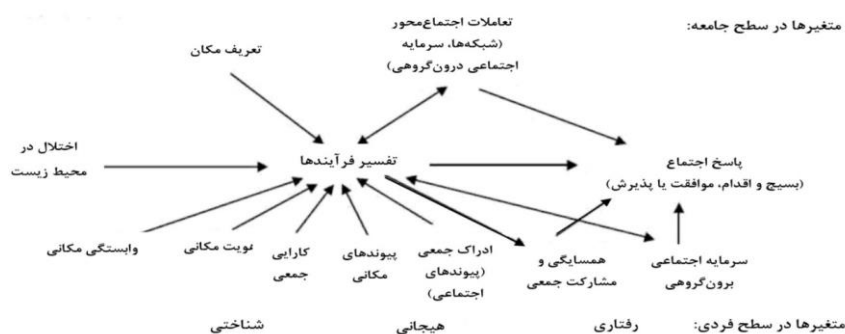
شکل شماره ۲. احساس مکان منبعث از دو عامل محیطی و انسانی (رامیار و زرغامی، ۱۳۹۶: ۴۱)

برابر مطالعه، ریگر^۱ (۱۹۸۱) به دو بعد از دلبستگی مکانی اشاره می‌کند؛ پیوند^۲ که بیان‌کننده احساس بخشی از یک همسایگی بودن است و ریشه دواندن^۳ که احساسی از یک جمع بودن است (رامیار و زرغامی، ۱۳۹۶: ۴۲). در یکی از مطالعات تجربی اخیر در زمینه سرمایه اجتماعی در همسایگی، دو بعد مهم از سرمایه اجتماعی تشخیص داده شد (Landry, 2006). بعد نخست قلمرو اجتماعی فرهنگی است که از رفتارهای قابل مشاهده ساکنان همسایگی و احساساتشان نسبت به همسایگانشان بدست می‌آید؛ که شامل رفتارهای همسایگان، احساس دلبستگی، وفاداری در میان ساکنان همسایگی و توانایی ساکنان و قدرت بخشیدن به این شخصیت‌ها در فعالیتی جمعی است. بعد دوم، زیرساخت‌های نهادی است که سطح و کیفیت توانایی سازمانی در همسایگی‌ها را نشان می‌دهد که به آن‌ها اجازه می‌دهد تا برحسب علائق مشترک عمل کنند و تسهیل در ایجاد گروه‌های همسایگی و ارتباط این گروه‌ها برای ایجاد اجتماعی بزرگتر را دربر می‌گیرد (رامیار و زرغامی، ۱۳۹۶: ۴۵). بنابراین گاهی در مطالعات محیطی با مشاهداتی سروکار داریم که مستقل از یکدیگر نیستند و به نوعی وابستگی آن‌ها ناشی از موقعیت و مکان قرار گرفتن مشاهدات در فضای مورد مطالعه است؛ اینگونه مشاهدات، داده‌های فضایی نامیده می‌شوند و به دلیل وجود همبستگی فضایی بین آنها، روش‌های معمول آمار کلاسیک برای تحلیل چنین داده‌هایی قابل استفاده نیست و لازم است به نحوی ساختار همبستگی داده‌ها در تحلیل آنها لحاظ شود. بنابراین اغلب روش‌های معمولی آمار مبتنی بر استقلال و مشاهدات نمونه مستخرج از جامعه بنا شده‌اند، اما در عمل موارد زیادی وجود دارند که مشاهدات، مستقل نبوده و برحسب موقعیت قرارگرفتنشان در فضای مورد مطالعه به یکدیگر وابسته‌اند. اگر این وابستگی تابعی از فاصله بین موقعیت مشاهدات باشد و مشاهدات نزدیک به هم وابسته‌تر و مشاهدات دورتر از هم وابستگی کمتری داشته باشند، اینگونه مشاهدات داده‌های فضایی نامیده می‌شوند (صادقی و شکریانی، ۱۳۹۵: ۲۵۳-۲۵۲). در این چارچوب، ارتباط میان سرمایه اجتماعی و تعلق مکانی با رویکرد فضایی قابل تبیین است.

1. Riger

2. Boundedness

3. Rootedness



شکل شماره ۳. چارچوب مفهومی اثرات تعلق مکانی جامعه و فرد بر تفسیرهای مختلف از پیامدهای رفتاری و زیست‌محیطی در قالب سرمایه اجتماعی (Mihaylov & Perkins, 2014: 64)

روش پژوهش

این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر رویکرد توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری تحقیق، روستاهای شهرستان رودبار با تعداد ۱۸ روستا و مجموع ۲۹۵۵ نفر جمعیت (براساس سرشماری سال ۱۳۹۵) می‌باشد. تعداد نمونه‌ها با استفاده از جدول مورگان، ۴۵۰ نفر تعیین شد. ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش شامل: مطالعات کتابخانه‌ای برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به ادبیات تحقیق و سپس پژوهش‌های میدانی از طریق مشاهده و پرسش‌نامه بهره‌گرفته شد. طبق برآورد صورت گرفته مقدار پایایی پرسش‌نامه برای شاخص‌های احساس تعلق مکانی ۰/۸۷۴ و برای شاخص‌های سرمایه اجتماعی ۰/۹۱۵ بر اساس آلفای کرونباخ بدست آمد. در این پژوهش برای پهنه‌بندی تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی از روش میان‌یابی به روش کریجینگ استفاده شده است. به عبارتی روش تجزیه و تحلیل داده‌ها مبتنی بر آمار فضایی می‌باشد.

در پژوهش حاضر به منظور سنجش احساس تعلق مکانی روستاییان، از سه شاخص ادراکی، کالبدی و عملکردی، و همچنین جهت سنجش سرمایه اجتماعی از شاخص‌های مشارکت اجتماعی، اعتماد بین‌فردی و تعمیم‌یافته، اعتماد نهادی، همبستگی اجتماعی، دانش بومی و آگاهی، شبکه‌های اجتماعی، امنیت، عضویت در شبکه‌ها و نهادهای دولتی و خصوصی و رضایت از عملکرد نهادهای دولتی و خصوصی، استفاده شده است. لازم به ذکر است در تدوین شاخص‌های حس تعلق مکانی علاوه بر مطالعه پژوهش‌های متعدد، از مطالعات صاحب‌نظرانی همچون فریتز استیل^۱ (۱۹۸۱)، پانتر^۲ (۱۹۹۱)، شامای^۳ (۱۹۹۱)، زو^۴ (۱۹۹۵)، استفانویچ^۵ (۱۹۹۸)، بونیتو و همکاران (۲۰۰۲) و سالواسن^۶ (۲۰۰۲) و نیز شاخص‌های سرمایه اجتماعی از مطالعه محمودی و همکاران (۱۳۹۵)، بهره‌گرفته شده است. جدول زیر متغیرها، شاخص‌ها و معیارهای اندازه‌گیری پژوهش را نشان می‌دهد.

- 1 .Steele
- 2 .Punter
- 3 .Shamai
- 4 .Xu
- 5 .Stefanovic
- 6 .Bonaiuto
- 7 .Salvesen

جدول شماره ۱. متغیرها، شاخص‌ها و نماگرهای اصلی پژوهش

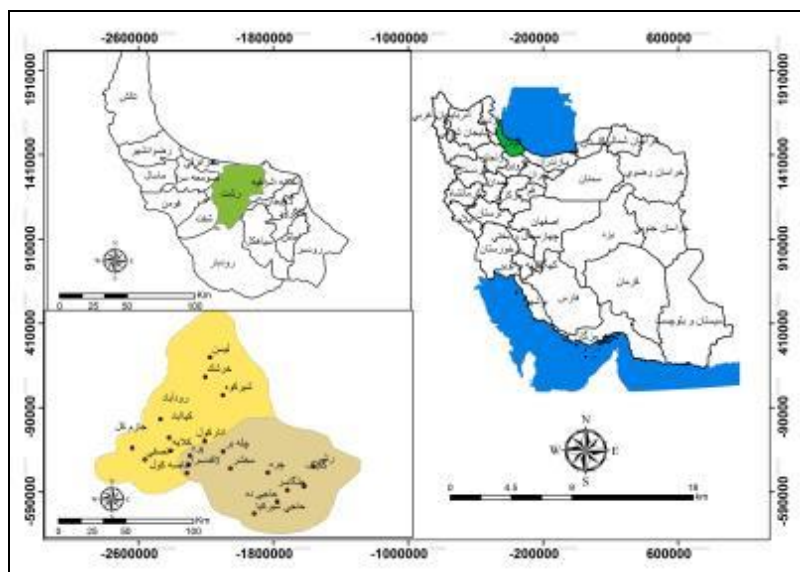
متغیرها	شاخص‌ها	معیارهای اندازه‌گیری (نماگرها)
	ادراکی	چشم‌انداز (منظره) طبیعی روستا مانند موقعیت طبیعی روستا (دشتی، دامنه‌ای یا کوهستانی بودن)، وجود چشم‌انداز زیبای فرهنگی مانند معماری و آثار دیدنی و معابر زیبا، وجود آب و هوای مناسب، فضای سبز نظیر جنگل و پارک، آبشارها، موقعیت قرارگیری روستا، مخاطرات محیطی، تمایل به ماندگاری، لذت‌بخش بودن مکان، مهم بودن مکان
حس تعلق مکانی	کالبدی	چهره ظاهری روستا مانند نوع بافت مسکونی (داشتن خانه‌های نوساز و بادوام)، خیابانها، میادین و بازارها، استانداردهای مسکن (وجود تسهیلات مناسب در واحدهای مسکونی «گرمایشی، سرمایشی، نورگیری، روشنایی کافی»، نوع مصالح، برخورداری از امکانات پستی و مخابراتی، دسترسی مناسب به اینترنت، برخورداری از سیستم جمع‌آوری زباله، برخورداری از شبکه بهداشتی جمع‌آوری و دفع فاضلاب، برخورداری از خدمات درمانی و بهداشتی، دسترسی به مدارس در مقاطع مختلف تحصیلی، وجود امکانات مناسب فرهنگی در روستا نظیر کتابخانه، وجود فضاها و امکانات مذهبی در روستا، وجود امکانات ورزشی در روستا، رضایت از دسترسی به خدمات و تسهیلات زیربنایی و زیرساختی مانند راه ارتباطی مناسب
	عملکردی	تغییر کاربری اراضی، گردشگری روستایی، تملک زمین کشاورزی، تملک واحد مسکونی، مالکیت ماشین‌آلات کشاورزی، تأمین نیازهای اساسی، رضایت از شغل و درآمد، وضعیت برخورداری از درآمد مناسب، ویژگیهای عرضه نیروی کار در روستا، دسترسی به خدمات مالی و اعتباری (بانک، وام، صندوق قرض‌الحسنه)
	مشارکت اجتماعی	روحیه همکاری و کار گروهی، مشارکت در فعالیتهای عمرانی و بهسازی، مشارکت با اعضای شورای اسلامی روستا، مشارکت در فعالیتهای عام‌المنفعه روستا، مشارکت در حل اختلافات بین مردم روستا، کمک فکری با مدیران محلی و ریش‌سفیدان روستا
	اعتماد بین‌فردی و تعمیم‌یافته	میزان اعتماد اعضای خانواده به یکدیگر، میزان اعتماد به خویشاوندان، میزان اعتماد کشاورزان به یکدیگر، میزان اعتماد به مروجین جهاد کشاورزی
	اعتماد نهادی	میزان اعتماد به دولت، میزان اعتماد به شورای روستا، میزان اعتماد به شورای حل اختلاف روستا
	امنیت	امنیت در معابر روستا، میزان وقوع جرایم، دسترسی به پاسگاه انتظامی و رضایت از آن
	همبستگی اجتماعی	جشنها و سوگواریها، وابستگی به تبار و طایفه خاص، زبان و گویش محلی، قدمت خانوادگی افراد در سکونت‌گزینی، روابط و مناسبات خویشاوندی، روابط با سایر قومیت‌های ساکن در استان
	رضایت از عملکرد نهادهای رسمی و غیررسمی	رضایتمندی از نمایندگان مجلس، رضایتمندی از دولت، رضایت از نهادهای سیاسی-اداری موجود در روستا،
سرمایه اجتماعی	عضویت در شبکه‌ها و نهادهای دولتی و خصوصی	عضویت در نهادهای موجود در روستا، عضویت در انجمن‌ها، صنوف، اتحادیه‌ها و شبکه‌های بخش خصوصی
	شبکه‌های اجتماعی	میزان روابط اعضای خانواده با یکدیگر، میزان روابط با خویشاوندان در روستا و خارج از روستا، میزان روابط با غیرخویشاوندان (اهالی روستا و دوستان)، میزان تعامل با مدیران، کارشناسان و متخصصان آژانس‌های دولتی درگیر با کار کشاورزی، میزان تعامل با ادارات و بخش‌های دولتی خارج از روستا، میزان تعامل با نمایندگان در سطح استان
	دانش بومی و آگاهی	میزان استفاده از تجارب گذشتگان در فعالیت کشاورزی، میزان استفاده از روشهای بومی کشت و آیش محصولات، میزان آگاهی از دانش جدید کشاورزی، میزان آگاهی از برنامه‌ها و طرحهای ترویجی روستا و آثار و پیامدهای این برنامه‌ها، میزان آگاهی از مسائل و مشکلات روستا، میزان آگاهی از برنامه‌ها و طرحهای ترویجی آینده، میزان استفاده از تجارب دیگران در زندگی و فعالیت شغلی و حرفه‌ای

منبع: (Steele, 1981; Punter, 1991; Shamai, 1991; Xu, 1995; Stefanovic, 1998; Bonaiuto et al, 2002;)

Salvesen, 2002؛ به نقل از کاشی و بنیادی، ۱۳۹۲، ۴۸-۴۹؛ محمودی و همکاران، ۱۳۹۵؛ محمودی و همکاران، ۱۳۹۷)

محدوده مورد مطالعه

شهرستان رودبار با وسعت ۲۵۷۴ کیلومتر مربع دومین شهرستان استان گیلان به لحاظ وسعت است که از شمال به شهرستان رشت از جنوب به استان قزوین و از غرب به شهرستان فومن و استان زنجان محدود می‌شود. این شهرستان دارای ۴ بخش است: مرکزی شامل: رستم آباد، رودبار، منجیل و لوشان همچنین دهستان کلستر می‌باشد. بخش عمارلو شامل دهستان های: جیرنده و کلیشم می باشد بخش خورگام شامل دهستان های: خورگام و دلفک می باشد. بخش رحمت آباد و بلوکات نیز شامل دهستان های: بلوکات، رحمت آباد و دشتویل می باشد.



شکل شماره ۴. موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

بحث و یافته‌ها

یافته‌های توصیفی پژوهش نشان می‌دهد، ۵۱ درصد پاسخگویان مرد و ۴۹ درصد زن بوده‌اند. همچنین به لحاظ ویژگی‌های سنی، ۵ درصد در گروه سنی ۲۰-۳۵ سال، ۱۳ درصد در گروه سنی ۳۶-۵۰ سال و ۴۶ درصد نیز در گروه سنی بالای ۴۶ سال بوده‌اند. وضعیت سواد و تحصیلات پاسخگویان بیانگر آن است که افراد دارای تحصیلات سیکل با ۵۹ درصد، بیشترین تعداد و افراد دارای مدرک لیسانس و بالاتر با ۳ درصد، کمترین تعداد پاسخگویان را به خود اختصاص داده‌اند. توزیع پاسخگویان به لحاظ وضعیت شغلی نیز نشان می‌دهد، ۳۷ درصد کشاورز، ۲۸ درصد خانه‌دار، ۸ درصد دامدار، ۲ درصد معلم، ۱۱ درصد دارای شغل آزاد و ۱۴ درصد نیز دارای سایر مشاغل بوده‌اند. محل اشتغال ۸۳ درصد از نمونه‌های مورد مطالعه روستای محل زندگی‌شان است. همچنین نتایج نشان داد، تمامی پاسخگویان دارای ملک شخصی بوده‌اند.

از طریق مصاحبه با جامعه آماری مورد مطالعه، مهمترین مشخصه‌های ممتاز روستا و نیز مهمترین عوامل ناخوشایند مکان شناسایی و در ۱۵ مورد به شرح زیر دسته‌بندی شدند.

جدول شماره ۲. مهم ترین مشخصه های ممتاز و عوامل ناخوشایند مکان از نظر روستاییان مورد مطالعه

ردیف	مشخصه ممتاز روستا	عوامل ناخوشایند مکان
۱	امکان کشت محصولات متنوع همچون توت فرنگی، آلو، فندق و ...	مهاجرت جوانان روستا به شهرهای دیگر
۲	شرایط مناسب و مطلوب جهت پرورش دام و فعالیت دامپروری	نبود گاز
۳	فروش محصولات دامی و کشاورزی هر ساله به کشاورزان	کمبود آب در فصل کشاورزی برای آبیاری محصولات
۴	برگزاری جشنواره توت فرنگی برای فروش محصول توت فرنگی تولیدی کشاورزان	ریختن زباله توسط گردشگران
۵	قرار گرفتن روستا در مسیر داماش و بطورکلی وجود شرایط مطلوب برای جذب سالیانه تعداد قابل توجه گردشگران	کم توجهی مسئولین به خواسته های مردم
۶	بهره مندی از اقلیم مناسب	بیکاری جوانان و عدم وجود مشاغل مناسب در روستا
۷	وجود همسایگان خوب و قابل اعتماد	راه نامناسب و دسترسی نامطلوب به مراکز شهرستان و استان
۸	برخورداری از روحیه همیاری و کمک به یکدیگر در بین همسایگان و هم روستاییان در زمینه های انسانی، فکری و مالی	فاصله زیاد تا مراکز شهری
۹	وجود غار دربند در رشی که سکونتگاه انسان های اولیه بوده است	بوی نامطبوع نگهداری دامها در روستا
۱۰	بهره مندی از طبیعت زیبا و جنگل ها و رودخانه های بکر	نداشتن امکانات رفاهی و تفریحی مناسب و کافی
۱۱	وجود نیروی جوان و تحصیل کرده در روستا	وضعیت اقتصادی نامطلوب و فراهم نبودن نیازهای اولیه زندگی
۱۲	دهیار و اعضای شورای فعال	نبود امکانات ورزشی مناسب برای جوانان
۱۳	وجود افرادی که منجر به رونق روستاها شده اند (خانه های دوم)	عدم وجود داروخانه و امکانات درمانی در نزدیکی روستا
۱۴	برگزاری دوره های مختلف آموزشی در روستا در زمینه های کشاورزی و دامداری	عدم وجود سیستم جمع آوری زباله و ایجاد بوی نامطبوع در سطح روستا
۱۵	فعالیت صنایع دستی در بین زنان	کمبود وسایل آموزشی در مدارس

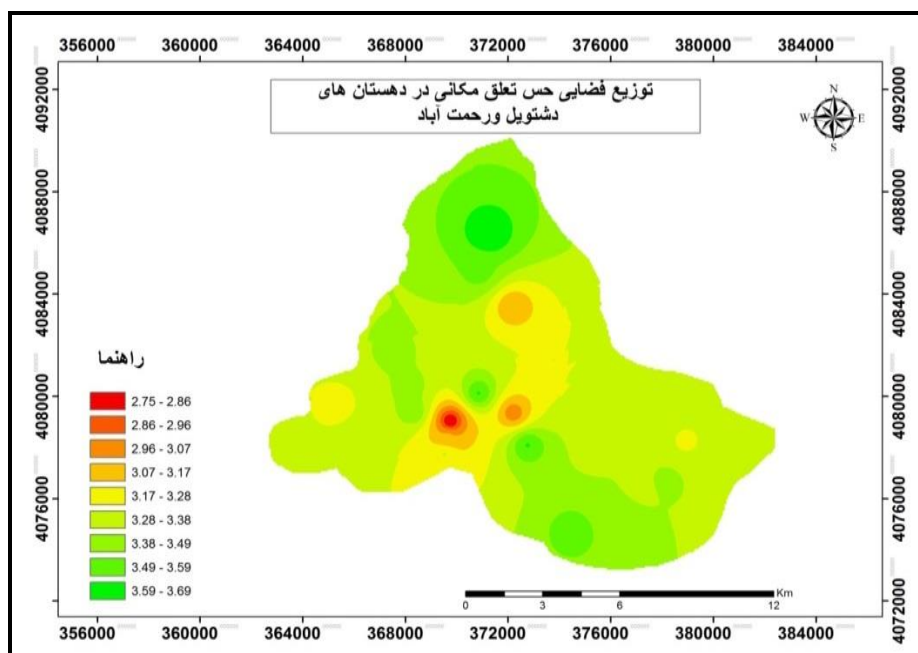
به منظور ارزیابی وضعیت سطح احساس تعلق مکانی جامعه مورد مطالعه از آزمون T تک نمونه ای یا تی تک گروهی بهره گرفته شده است. نتایج تحقیق (جدول ۳) نشان می دهد، میانگین نمره احساس تعلق مکانی مشاهده شده ۳/۱ با انحراف استاندارد ۰/۵ است که بطور معنی داری با نمره معیار (۳) اختلاف مثبت و معنی دار دارد. بدین ترتیب، با آگاهی از میزان احساس تعلق مکانی جامعه نمونه، به بررسی مؤلفه ها و شاخص های مکانی - فضایی (جغرافیایی) مؤثر در آن می پردازیم.

در جدول زیر با در نظر داشتن ضریب اطمینان ۹۵ درصد و خطای ۵ درصد مقدار آماره آزمون T با درجه آزادی ۴۴۹ برای متغیر تعلق مکانی، ۱۱۹/۰۳۴ بوده است، بدین معنی که مقدار میانگین نمونه از مقدار میانگین آزمون بیشتر بوده است. مقدار آزمون T با درجه آزادی برای متغیر سرمایه اجتماعی نیز ۱۶۹/۹۹۵ و بالاتر از میانگین نظری بوده است. در بین شاخص های سرمایه اجتماعی، شاخص رضایت از عملکرد نهادهای رسمی و غیررسمی با میانگین ۲/۵، کمتر از سطح متوسط بوده است. سطح معنی داری شاخص ها کوچکتر از خطای ۵٪ می باشد، بنابراین، نتیجه می گیریم که حس تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی در روستاهای مورد مطالعه، متوسط به بالاست.

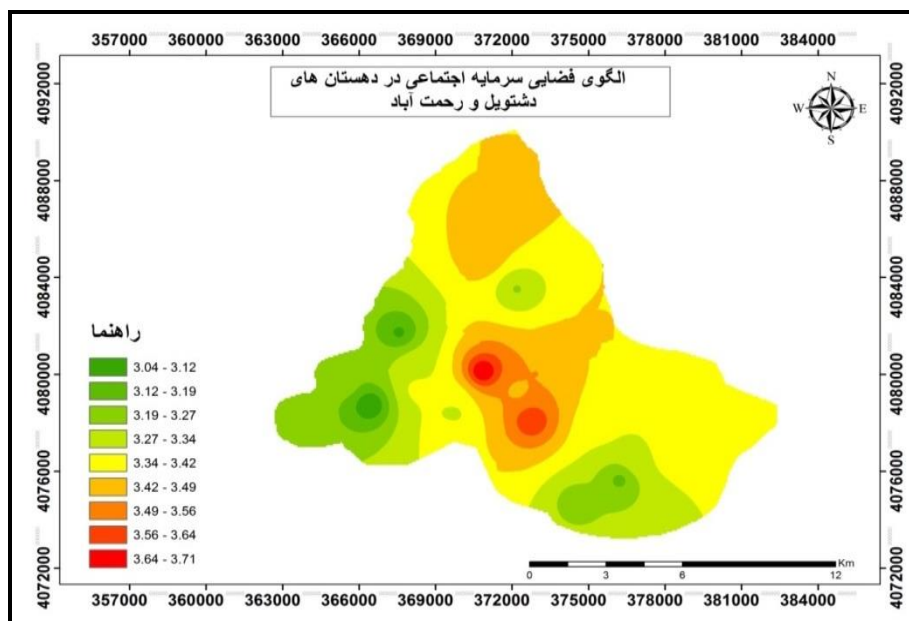
جدول شماره ۳. میزان تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی در مناطق روستایی مورد مطالعه براساس آزمون t

متغیر	شاخص	عدد مفروض = ۳,۱			
		t	درجه آزادی	سطح معنی داری	اختلاف میانگین
تعلق مکانی	ادراکی	۱۵۴/۶۵۶	۴۴۹	۰/۰۰۰	۳/۳۴۳۱۱
	کالبدی	۱۲۶/۳۱۴	۴۴۹	۰/۰۰۰	۳/۳۳۱۷۸
سرمایه اجتماعی	عملکردی	۸۰/۶۲۲	۴۴۹	۰/۰۰۰	۳/۰۹۸۲۷
	تعلق مکانی	۱۱۹/۰۳۴	۴۴۹	۰/۰۰۰	۳/۹۴۷۴۱
سرمایه اجتماعی	اعتماد بین فردی و تعمیم یافته	۱۳۵/۸۷۷	۴۴۹	۰/۰۰۰	۳/۲۲۷۳۶
	اعتماد نهادی	۱۲۸/۷۱۰	۴۴۹	۰/۰۰۰	۳/۳۴۳۸۹
	شبکه‌های اجتماعی	۱۴۲/۱۷۶	۴۴۹	۰/۰۰۰	۳/۲۲۵۸۷
	دانش بومی و آگاهی	۱۳۹/۸۹۵	۴۴۹	۰/۰۰۰	۳/۲۲۲۷۸
	مشارکت اجتماعی	۱۵۵/۹۹۰	۴۴۹	۰/۰۰۰	۳/۵۳۳۷۸
	رضایت از عملکرد نهادهای رسمی و غیررسمی	۸۴/۳۶۲	۴۴۹	۰/۰۰۰	۲/۵۸۴۸۱
	عضویت در شبکه‌ها و نهادهای دولتی و خصوصی	۱۱۸/۷۰۸	۴۴۹	۰/۰۰۰	۳/۷۰۳۳۳
	امنیت	۱۱۲/۰۸۷	۴۴۹	۰/۰۰۰	۲/۹۳۶۶۷
	سرمایه اجتماعی	۱۶۹/۹۹۵	۴۴۹	۰/۰۰۰	۳/۲۶۷۹۱
	اختلاف ۹۵ درصد حد بالا				۳/۳۹۵۸
اختلاف ۹۵ درصد حد پایین				۳/۲۹۰۴	

توزیع فضایی تعلق مکانی نشان می‌دهد توزیع نتایج به صورت شمالی- جنوبی است و روستاهای مناطق مرکز به سمت جنوب غرب کم‌ترین دل‌بستگی و روستاهای شمال دارای بهترین وضعیت می‌باشند. در زمینه توزیع فضایی سرمایه اجتماعی نیز بهترین وضعیت را روستاهای واقع در قسمت مرکزی و کم‌ترین توزیع فضایی در قسمت جنوب غرب و تا حدودی نیز در قسمت جنوب شرقی مشاهده می‌شود.



شکل شماره ۵. توزیع فضایی تعلق مکانی در دهستان‌های دشتویل و رحمت‌آباد



شکل شماره ۶. توزیع فضایی سرمایه اجتماعی در دهستان‌های دشتویل و رحمت‌آباد

شکل شماره ۷ نمایانگر الگویی از توزیع فضایی در هر یک از ابعاد سرمایه اجتماعی به صورت جداگانه است. همانطور که در شکل زیر نمایان است، سرمایه اجتماعی به ۷ شاخص، عضویت در شبکه‌های اجتماعی، اعتماد درون و بیرون گروهی، شبکه‌های اجتماعی، امنیت اجتماعی، رضایت عملکرد، دانش بومی و مشارکت دسته‌بندی شده است. در ادامه به صورت مجزا به تحلیل هر یک از این ۷ شاخص‌ها پرداخته شده است.

❖ **در شاخص عضویت در شبکه‌ها و نهادهای دولتی، خصوصی و مردم‌نهاد،** توزیع نتایج، قسمت مرکزی را نشان می‌دهد؛ بدین معنا که میزان عضویت در نهادهای موجود در روستا، عضویت در انجمن‌ها، صنوف، اتحادیه‌ها و شبکه‌های بخش خصوصی در روستاهای چله‌بر، مخشر، لافندسرا، پره، انارکول و خاصه‌کول به مراتب بهتر از سایر روستاها است.

❖ **توزیع فضایی شاخص اعتماد بین‌فردی و تعمیم‌یافته** نیز به صورت شمالی-جنوبی و در قسمت مرکز به سمت جنوب و حدودی در شمال که شامل روستاهای لیسن، خرشک، شیرکوه، مخشر، چله‌بر، لافندسرا و خاصه‌کول می‌باشد، بهتر است. این بدین معنا است که میزان اعتماد اعضای خانواده به یکدیگر، میزان اعتماد به خویشاوندان، میزان اعتماد کشاورزان به یکدیگر، میزان اعتماد به مروجین جهاد کشاورزی، میزان اعتماد به دولت، میزان اعتماد به شورای روستا، میزان اعتماد به شورای حل اختلاف روستا در روستاهای نامبرده به مراتب بهتر است و مردم همکاری لازم را در زمینه‌های مختلف دارند.

❖ **الگوی فضایی شبکه‌های اجتماعی** نیز حاکی از وضعیت مساعد در روستاهای بخش مرکزی به سمت جنوب است. همانند الگوی فضایی عضویت در شبکه‌های اجتماعی، در قسمت مرکزی این شهرستان، میزان روابط اعضای خانواده با یکدیگر، میزان روابط با خویشاوندان در روستا و خارج از روستا، میزان روابط با غیرخویشاوندان (اهالی روستا و دوستان)، میزان تعامل با مدیران، کارشناسان و متخصصان آژانس‌های دولتی درگیر با کار کشاورزی، میزان تعامل با ادارات و بخش‌های دولتی خارج از روستا، میزان تعامل با نمایندگان در سطح استان به نسبت سایر روستاها بهتر است.

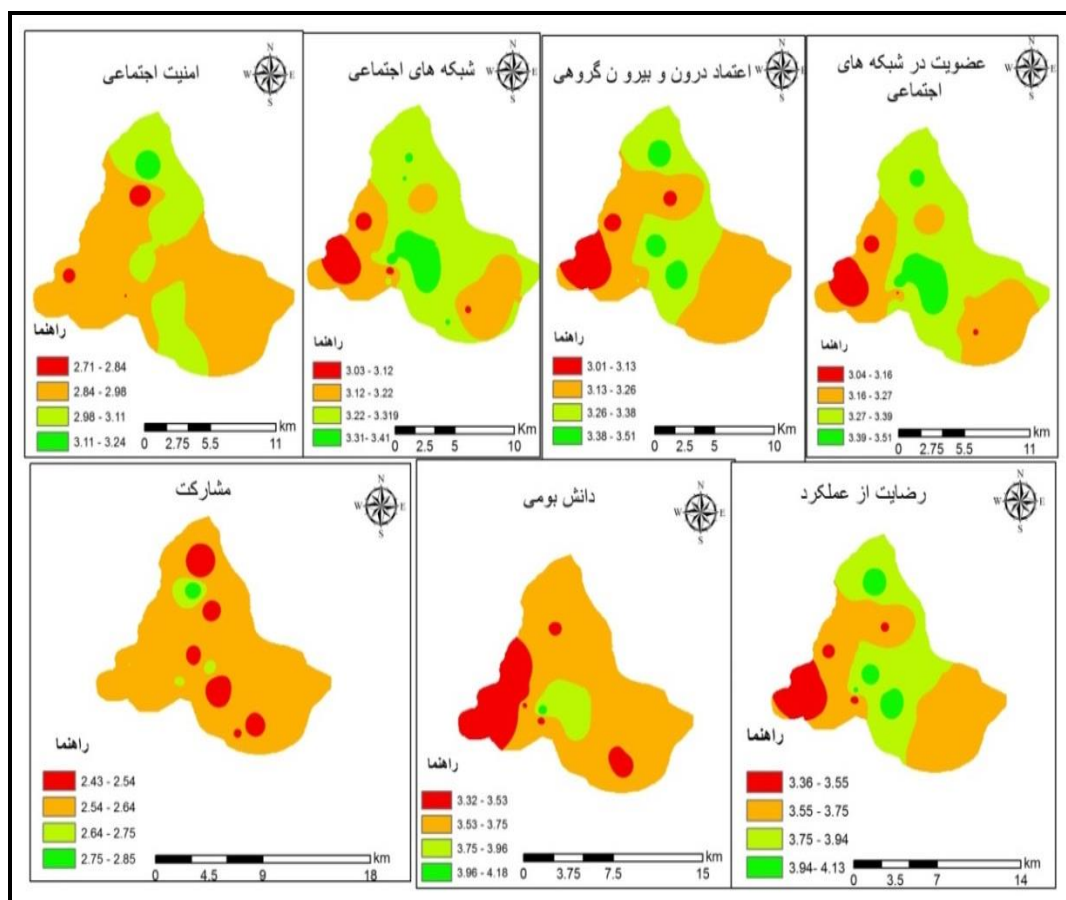
❖ در زمینه شاخص امنیت که یکی از شاخص‌های بسیار مهم در زمینه سرمایه اجتماعی است، روستاهای قسمت

شمال شهرستان شامل لیسن، خرشک و شیرکوه؛ از امنیت بالاتر در زمینه‌های وقوع جرایم، دسترسی به پاسگاه انتظامی و رضایت از آن و همچنین امنیت در معابر روستا، برخوردار هستند.

❖ در زمینه شاخص رضایت از عملکرد بهترین وضعیت را روستاهای مرکزی و شمالی دارا هستند به عبارتی نتایج توزیع به صورت شمالی-جنوبی است. این بدین معنا است که روستاهای لیسن، خرشک، چره، مخشر، چله‌بر، لافندسرا، انارکول، پره و لایه از رضایت بیشتری نسبت به عملکرد سازمان‌ها و نهادهای خصوصی مرتبط با فعالیت کشاورزی که شامل پاسخگو بودن به نیازهای روستاییان و کشاورزان، ارائه خدمات با کم‌ترین هزینه به کشاورزان، احترام گذاشتن به روستاییان و کشاورزان و همچنین توجه کردن به اعتراضات و خواسته‌های مردم روستا است، برخوردارند. در عوض این وضعیت، روستاهای بخش جنوب غربی در این شهرستان که شامل روستاهای جازم کل، نصفی، کیاآباد و شیرکوه می‌باشد از این وضعیت رضایت ندارند.

❖ توزیع فضایی شاخص دانش بومی بیانگر این موضوع است که تنها در یک نقطه بسیار کوچک در قسمت مرکز که حول روستاهای پره و لافندسرا است به آن توجه شده است و همچنین توزیع فضایی این شاخص در قسمت جنوب غرب که روستاهای جازم کل، خاصه کول، نصفی و کلایه است بسیار ضعیف است.

❖ توزیع فضایی شاخص مشارکت نیز نشان می‌دهد، تنها، لکه ای در قسمت شمال که روستای خرشک را شامل می‌گردد عملکرد خوبی را در این زمینه داشته است. در این روستا مردم روستا ارتباط بیشتری با یکدیگر برای رفع مشکلات روستا، همکاری با مسئولین و ریش سفیدان، همکاری با یکدیگر در مراسم‌های سرور و مذهبی، انجام کمک‌های مالی برای بهبود روستا و... دارند.



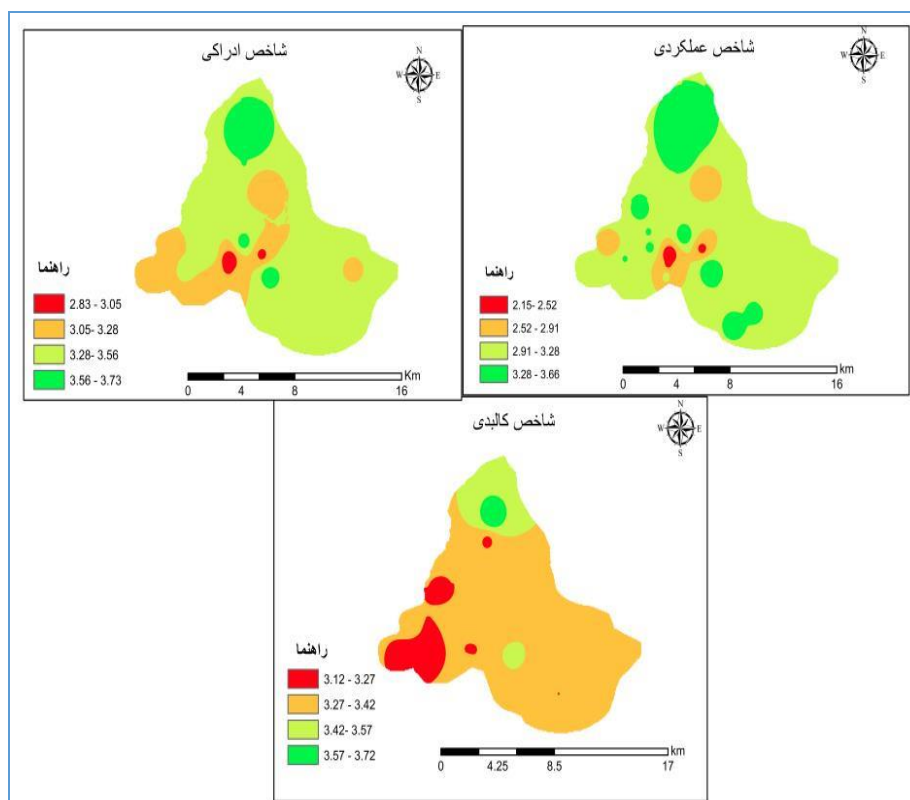
شکل شماره ۷. توزیع فضایی شاخص‌های سرمایه اجتماعی در دهستان‌های دشتویل و رحمت‌آباد

شکل شماره ۸، نمایانگر الگویی از توزیع فضایی در هر یک از شاخص‌های تعلق مکانی به صورت جداگانه است. همانطور که در شکل زیر نمایان است، تعلق مکانی به ۳ شاخص، عملکردی، ادراکی و کالبدی دسته‌بندی شده است. در ادامه به صورت مجزا به تحلیل هر یک از این ۳ شاخص پرداخته شده است.

❖ در ارتباط با شاخص **عملکردی تعلق به مکان**، توزیع فضایی در قسمت‌های شمالی مطلوب‌تر است و پس از آن بخش‌هایی در مرکز، جنوب شرقی و غرب شهرستان مطلوب است. بدین گونه که مردم روستاهای لیسن، خرشک، شیرکوه، نصفی، کیاآباد، پره، انارکول، رشی، حاجی‌ده و حاجی شیرکیا از وضعیت محیطی روستای خود رضایت بیشتری داشته‌اند.

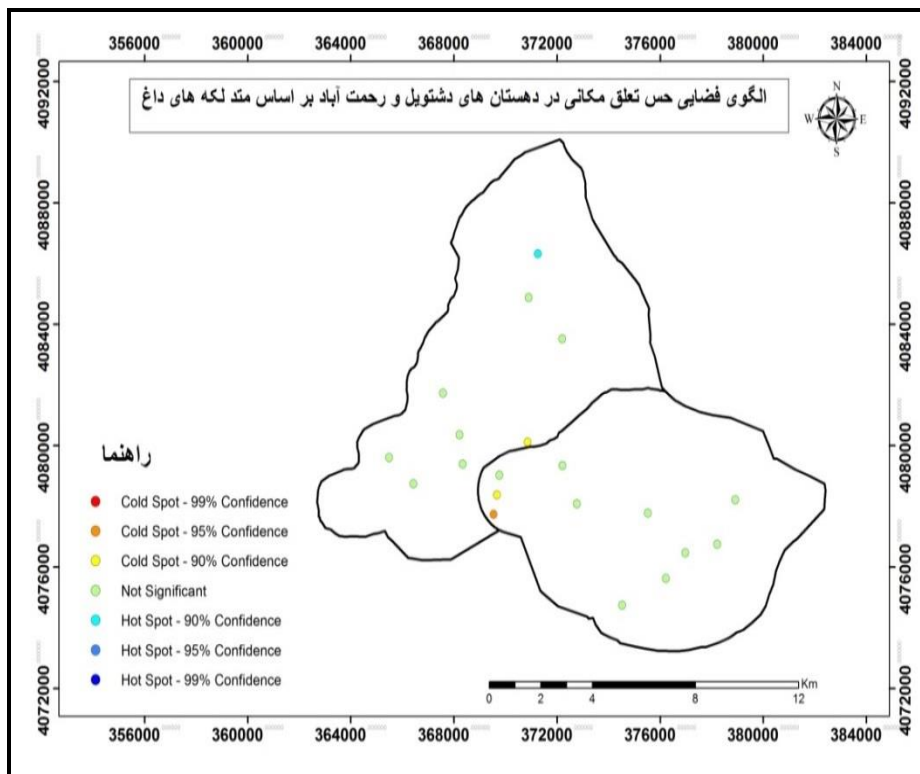
❖ در زمینه شاخص **ادراکی** نیز روستاهای واقع در شمال شهرستان همچون لیسن، شیرکوه، خرشک و پس از آن روستاهای انارکول و مخسر علاقه بیشتری به محل زندگی‌شان داشته و تمایل کمتری به ترک مکان خود را دارند.

❖ در زمینه توزیع فضایی شاخص **کالبدی** نیز تنها در قسمت شمالی که روستای خرشک را در برمی‌گیرد، اهالی از وضعیت کالبدی به نسبت سایر روستاها رضایتمند بودند.

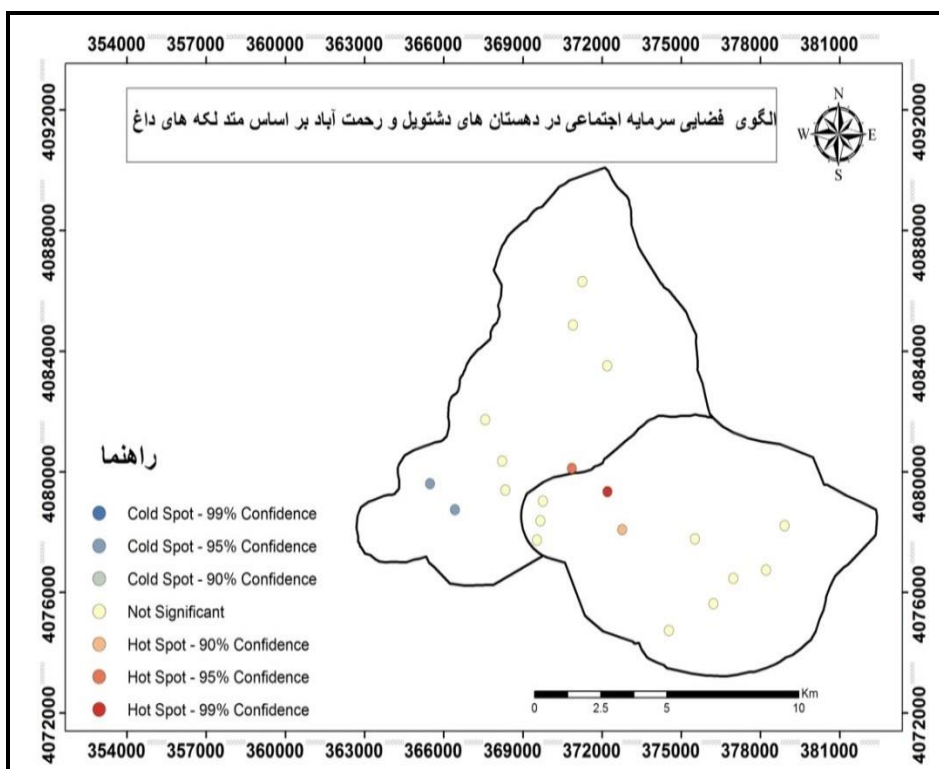


شکل شماره ۸. توزیع فضایی شاخص‌های تعلق مکانی در دهستانهای دشتویل و رحمت‌آباد

نقشه‌های زیر لکه‌های سرد و داغ را در سطح شهرستان رودبار نشان می‌دهند. نتایج این تحلیل بیانگر این موضوع است که احساس تعلق مکانی در تمام مناطق روستایی مورد مطالعه خنثی است. در زمینه سرمایه اجتماعی نیز بهترین روستاها براساس نقشه‌های لکه‌های سرد و داغ مربوط به روستاهای مرکزی شهرستان (انارکول، چله‌بر و مخسر) است.



شکل شماره ۹. الگوی فضایی حلقه مکانی در دهستان های دشتویل و رحمت آباد براساس روش لکه های داغ



شکل شماره ۱۰. الگوی فضایی سرمایه اجتماعی در دهستان های دشتویل و رحمت آباد براساس روش لکه های داغ

میزان تأثیرگذاری شاخص های حلقه مکانی بر سرمایه اجتماعی

در ادامه میزان اثرگذاری شاخص های حلقه مکانی بر سرمایه اجتماعی در منطقه مورد مطالعه مورد بررسی قرار گرفته

است. همانطور که جدول ۴ نشان می‌دهد، هرچه ضریب بتا (Beta) و مقدار T بدست آمده بزرگتر و سطح معنی داری کوچکتر باشد، بدین معنی است که متغیر مستقل تأثیر زیادی بر متغیر وابسته دارد. همچنین براساس ضریب تعیین R2، ۷۸/۱ درصد از واریانس سرمایه اجتماعی در خانوارهای روستایی مورد مطالعه، توسط ۳ بعد عملکردی، ادراکی و محیطی تعلق مکانی مورد سنجش قرار گرفت.

جدول شماره ۴. میزان اثرگذاری شاخص‌های تعلق مکانی بر سرمایه اجتماعی در روستاهای مورد مطالعه

شاخص‌های تعلق مکانی	ضریب رگرسیونی (B)	ضریب رگرسیونی استاندارد (Beta)	مقدار T	سطح معنی داری (Sig.)	ضریب تعیین (R2)
عملکردی	۱۲/۵۵۵	۰/۲۶۷	۲۷/۲۰۲	۰/۰۰۰	
ادراکی	۳۶/۲۶۱	۰/۵۵۰	۷۱/۵۱۳	۰/۰۰۰	۷۸/۱
کالبدی	۱۵/۰۸۴	۰/۴۳۹	۴۳/۶۳۱	۰/۰۰۰	

شاخص‌های عملکردی، ادراکی و کالبدی تعلق مکانی به عنوان متغیر مستقل و سرمایه اجتماعی به عنوان متغیر وابسته وارد مدل شد. بر همین مبنا همانطور که نتایج جدول ۷ نشان می‌دهد، براساس ضریب بتا (Beta) و سطح معنی داری شاخص‌های ادراکی، کالبدی و عملکردی به ترتیب تأثیر قابل توجهی بر میزان سرمایه اجتماعی خانوارهای مورد مطالعه داشته است. بطوریکه ضریب بتا (Beta) نشان می‌دهد، بعد ادراکی با بتای ۰/۵۵۰ بیشترین میزان تأثیر را بر متغیر وابسته دارد. بر این اساس می‌توان گفت، یک انحراف استاندارد در بعد ادراکی، میزان سرمایه اجتماعی را به میزان ۰/۵۵۰ انحراف استاندارد افزایش می‌دهد و بالعکس. میزان تأثیرگذاری بعد کالبدی نیز به همین ترتیب قابل تبیین است؛ یعنی یک انحراف استاندارد در این متغیر، میزان سرمایه اجتماعی را به میزان ۰/۴۳۹ انحراف استاندارد افزایش می‌دهد و بالعکس. میزان تأثیرگذاری بعد عملکردی نیز به همین منوال در رتبه سوم قرار گرفته انحراف استاندارد در این متغیر، سرمایه اجتماعی را به میزان ۰/۲۶۷ انحراف استاندارد افزایش می‌دهد و بالعکس.

نتیجه‌گیری

طی چندین دهه گذشته، الگوی مدیریتی حاکم بر کشورهای درحال توسعه به ویژه کشور ما، تمرکزگرا بوده است، که از جمله مهمترین چالش‌ها در این راستا، توجه نکردن به سرمایه اجتماعی روستاییان است. اندیشمندان معتقدند، در صورت فقدان سرمایه اجتماعی، مشارکت و برنامه‌ریزی از پایین به بالا، هیچ شانس برای موفقیت برنامه‌های توسعه روستایی وجود ندارد. در همین راستا و با توجه به روند جهانی شدن و تضعیف نقش دولت‌های ملی، مفهوم سرمایه اجتماعی، به عنوان راه حلی اجرایی در سطح اجتماعات محلی برای مشکلات توسعه، مورد توجه سیاست‌گذاران و مسئولان سیاست اجتماعی قرار گرفته است. حس تعلق مکانی که با سطحی از معنای محیطی مشخص می‌شود، در ارتقای سرمایه اجتماعی روستاییان مؤثر بوده و عبارتی مطالعات حاکی از پیوند بین این دو متغیر است. در پژوهش حاضر، یافته‌ها نشان داد، براساس ضریب تعیین R2، ۷۸/۱ درصد از واریانس سرمایه اجتماعی در خانوارهای روستایی مورد مطالعه، توسط ۳ بعد عملکردی، ادراکی و محیطی تعلق مکانی قابل تبیین است. ضریب بتا (Beta) نیز حاکی از آن است که، شاخص ادراکی تعلق مکانی با بتای ۰/۵۵۰ بیشترین میزان تأثیر را بر سرمایه اجتماعی روستاهای مورد مطالعه داشته است. بر این اساس می‌توان گفت، یک انحراف استاندارد در بعد ادراکی، میزان سرمایه اجتماعی را به میزان ۰/۵۵۰ انحراف استاندارد افزایش می‌دهد و بالعکس.

همچنین با استفاده از روش کریجینگ این نتیجه بدست آمد که توزیع فضایی دلبستگی به مکان به صورت شمالی-جنوبی است و روستاهای مناطق مرکز به سمت جنوب غرب کم‌ترین دلبستگی و روستاهای شمال دارای بهترین وضعیت

می‌باشند. در زمینه توزیع فضایی سرمایه اجتماعی نیز بهترین وضعیت را روستاها در قسمت مرکزی و کم‌ترین توزیع فضایی در قسمت جنوب غرب و به حدودی نیز در قسمت جنوب شرقی واقع شده است. نقشه‌های لکه‌های سرد و داغ در سطح شهرستان رودبار نیز بیانگر این موضوع است که احساس تعلق مکانی در کلیه نقاط روستایی مورد مطالعه خنثی است. در زمینه سرمایه اجتماعی نیز بهترین روستاها براساس نقشه‌های لکه‌های سرد و داغ مربوط به روستاهای مرکزی شهرستان (انارکول، چله‌بر و مخشر) است. این پژوهش با مطالعات افرادی چون رامیار و ضرغامی در سال (۱۳۹۶)، زنگنه و همکاران (۱۳۹۳)، رهنما و رضوی (۱۳۹۰)، سویی^۱ و همکاران (۲۰۱۴)، دالاگو^۲ و همکاران در سال ۲۰۰۹ و لویکا^۳ (۲۰۰۵) همخوانی دارد.

توزیع فضایی در هر یک از ابعاد سرمایه اجتماعی به صورت جداگانه نیز بیانگر این موضوع است که در شاخص‌های عضویت در شبکه‌ها و نهادهای دولتی، خصوصی و مردم‌نهاد، شبکه‌های اجتماعی، رضایت از عملکرد، دانش بومی، روستاهای واقع در قسمت مرکزی شهرستان رودبار بهترین عملکرد را دارا می‌باشند. در زمینه شاخص‌های اعتماد بین فردی و تعمیم یافته به صورت شمالی-جنوبی و باز هم در مرکز از سایر مناطق بهترین وضعیت را دارد. شاخص‌های امنیت و مشارکت نیز در قسمت شمال بهترین عملکرد را دارا می‌باشد.

تعلق مکانی نیز به ۳ شاخص؛ عملکردی، ادراکی و کالبدی دسته‌بندی شده است. بررسی‌های بیانگر این موضوع است که در ارتباط با شاخص عملکردی تعلق به مکان، توزیع فضایی در قسمت‌های شمالی مطلوب‌تر است و پس از آن بخش‌هایی در مرکز، جنوب شرقی و غرب شهرستان مطلوب است. بدین‌گونه که مردم روستاهای لیسن، خرشک، شیرکوه، نصفی، کیاآباد، پره، انارکول، رشی، حاجی‌ده و حاجی شیرکیا از وضعیت محیطی روستای خود رضایت بیشتری داشته‌اند. در زمینه شاخص ادراکی نیز روستاهای واقع در شمال شهرستان همچون لیسن، شیرکوه، خرشک و پس از آن روستاهای انارکول و مخشر علاقه بیشتری به محل زندگی‌شان داشته و تمایل کمتری به ترک مکان خود را دارند. در زمینه توزیع فضایی شاخص کالبدی نیز تنها در قسمت شمالی که روستای خرشک را در برمی‌گیرد، اهالی از وضعیت کالبدی به نسبت سایر روستاها رضایتمند بودند.

برابر مطالعه، تعلق به مکان در بین خانوارهای روستایی عامل مهمی در شکل‌گیری پایه‌های ارتباطی استفاده‌کنندگان و محیط‌زیست می‌باشد که منجر به ایجاد محیط‌های با کیفیت در مناطق روستایی خواهد گردید. این حس می‌تواند زمینه مساعدی برای ایجاد دموکراسی مشارکتی فراهم سازد و اجرای برنامه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی را در اجتماع محلی با توفیق چشمگیری همراه کند و کیفیت زندگی را بهبود بخشد. عبارت دیگر، مفهوم حس تعلق مکانی در میزان و نوع روابط بین افراد جامعه تأثیر می‌گذارد و این رابطه در گروه‌های اجتماعی که به مکان خاصی اختصاص دارند، باعث افزایش سرمایه‌های اجتماعی و اعتماد آنان می‌گردد.

تقدیر و تشکر

بنا به اظهار نویسنده مسئول، این مقاله حامی مالی نداشته است.

1 .Soini
2 .Dallago
3 .Lewicka

منابع

- ۱) افتخاری، عبدالرضا؛ سجاسی قیداری، حمدالله؛ عینالی، جمشید (۱۳۸۶) نگرشی نو به مدیریت روستایی با تأکید بر نهادهای تأثیرگذار، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۰، شماره ۲، صص. ۳۱-۱.
- ۲) افتخاری، عبدالرضا؛ محمودی. سمیرا؛ غفاری، غلامرضا؛ پورطاهری، مهدی (۱۳۹۴) تبیین الگوی فضایی سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار روستایی مورد: روستاهای استان خراسان رضوی، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ۴، شماره ۱، صص. ۸۷-۱۰۷.
- ۳) افراخته، حسن و حجی‌پور، محمد (۱۳۹۳) انباشت سرمایه و اقتصاد فضا در ایران، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ۳، شماره ۴، صص. ۶۳-۴۳.
- ۴) بیدختی، امین و شریفی، نوید (۱۳۹۱) بررسی رابطه بین رونق گردشگری و سرمایه اجتماعی در مناطق ساحلی دریای خزر، فصلنامه مطالعات مدیریت گردشگری، سال ۷، شماره ۱۷، صص. ۱۲۵-۱۲۰.
- ۵) پرتوی، پروین (۱۳۹۴) پدیدارشناسی مکان، تهران: انتشارات پدیدارشناسی مکان.
- ۶) جباری، حبیب (۱۳۸۴) رویکردهای اجتماع محور در برنامه‌های کاهش فقر، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ۵، شماره ۱۸، صص. ۳۹۸-۴۴۹.
- ۷) جوان فروزنده، علی و مطلبی، قاسم (۱۳۹۰) مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل‌دهنده آن، هویت شهر، سال ۵، شماره ۸، صص. ۳۷-۲۷.
- ۸) رامیار، رضا و ضرغامی، اسماعیل (۱۳۹۶) تأثیر دل بستگی به مکان بر سرمایه اجتماعی در محیط‌های مشترک همسایگی مطالعه موردی: مجتمع مسکونی نور در تهران، فصلنامه مطالعات شهری، شماره ۲۳، صص. ۵۲-۳۹.
- ۹) رضوانی، محمدرضا و احدی، علی (۱۳۸۸) مکان و نقش فرهنگ در شکل‌گیری هویت مکانی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال ۱۰، شماره ۶، صص. ۶۸-۴۵.
- ۱۰) رهنما، محمدرحیم و رضوی، محمد حسن (۱۳۹۱) بررسی تأثیر حس تعلق مکانی بر سرمایه اجتماعی و مشارکت در محلات شهر مشهد، نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، دوره ۱۷، شماره ۲، صص. ۳۶-۲۹.
- ۱۱) زنگنه، یعقوب؛ حسین‌آبادی، سعید؛ نبی‌پور، رضا (۱۳۹۳) تأثیر تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی بر بهسازی مشارکتی محلات قدیمی. نمونه موردی محله سرده سبزوار، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال ۵، شماره ۱۹، صص. ۱۲۸-۱۱۱.
- ۱۲) صادقی، خدیجه؛ طولابی‌نژاد، مهرشاد؛ قنبری، سیروس (۱۳۹۷) تحلیل اثرات کشت زعفران بر حس تعلق مکانی خانوارهای روستایی مطالعه موردی: دهستان رشتخوار، مجله آمایش جغرافیایی فضا، سال ۸، شماره ۲۸، صص. ۶۵-۵۱.
- ۱۳) صادقی، رسول و شکریانی، محسن (۱۳۹۵) تحلیل نوسانات فضایی تأثیر توسعه بر مهاجرت داخلی- بین شهرستانی در ایران، مجله توسعه محلی روستایی - شهری، دوره ۸، شماره ۲، صص. ۲۷۰-۲۴۵.
- ۱۴) عبداللهیان، حمید؛ شریعتی، شیما؛ شوشتری زاده، الهام (۱۳۸۵) اندازه‌گیری عملکرد مدیریت روستایی در ایران براساس عوامل تأثیرگذار بر فرآیند مدیریت در روستاهای ایران، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۰، صص. ۲۶۷-۲۲۷.
- ۱۵) فلاحت، محمدصادق (۱۳۸۵) مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده آن، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶، صص. ۶۶-۵۷.
- ۱۶) قربانی، مهدی؛ راسخی، ساره؛ کرمی، آزاده (۱۳۹۶) تحلیل خصوصیات ساختاری سرمایه اجتماعی در استقرار مدیریت اجتماع محور روستایی (مورد مطالعه: شهرستان ریگان، استان گیلان)، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، دوره ۸، شماره ۲، صص. ۲۴۰-۲۲۸.
- ۱۷) کاشی، حسین و بنیادی، ناصر (۱۳۹۲) تبیین مدل هویت مکان- حس مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن، نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، دوره ۱۸، شماره ۳، صص. ۵۲-۴۳.
- ۱۸) محمودی، سمیرا؛ رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۹۵) بومی‌سازی شاخص‌های سرمایه اجتماعی در مناطق روستایی ایران، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، دوره ۷، شماره ۴، صص. ۶۴۳-۶۱۸.
- ۱۹) محمودی، سمیرا؛ یاسوری، مجید؛ امامی، سیده فاطمه (۱۳۹۷) تحلیل مکانی- فضایی عوامل مؤثر بر حس تعلق مکانی (نمونه موردی: روستاهای کردنشین، بخش رحمت آباد و بلوکات، شهرستان رودبار)، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، دوره ۷، شماره ۳، صص. ۸۲-۶۱.

- (۲۰) مدیری، آتوسا و ادهمی، قاسم (۱۳۹۴) تبیین فضاهاى عمومى در ارتباط با سرمایه اجتماعى (مطالعه موردی: شهر آمل)، فصلنامه مطالعات توسعه‌ی اجتماعى- فرهنگى، دوره ۳، شماره ۴، صص. ۲۱۲-۱۸۵.
- (۲۱) مطیعى لنگرودى، سیدحسن؛ خسروى‌مهر، حمیده؛ طورانى، على (۱۳۹۳) اثرات روابط اقتصادى شهر و روستا بر وضعیت اجتماعى و اقتصادى سکونتگاه‌هاى روستایى مورد: دهستان چهل‌چای در شهرستان مینودشت، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایى، سال ۳، شماره ۴، صص. ۴۲-۱۹.
- (۲۲) نقدى، اسدالله؛ وحدت، سلمان؛ سجاذاده، حسن (۱۳۹۵) نقش سرمایه‌هاى اجتماعى در دل‌بستگی به مکان در محلات سنتى (نمونه موردی: محلات شهر همدان)، مطالعات جامعه‌شناختى شهرى، سال ۶، شماره‌ی ۱۸، صص. ۲۳-۵۲.
- 23) Abbott-Chapman, A. & Johnston, R. & Jetson, T, (2014) Rural belonging, place attachment and youth educational mobility: Rural parents views, *Journal of Rural Society*, Vol.23, No.3, pp.296-310.
- 24) Bonaiuto, M. & Fornara, F. & Bonnes, M, (2002) Indexes of perceived residential environment quality and neighborhood attachment in urban environments: a confirmation study on the city of Rome, *Landscape and Urban Planning*, Vol.988, pp.1-12.
- 25) Brown, G. & Raymond, C. (2007) The relationship between place attachment and landscape values: Toward mapping place attachment, *Applied Geography*, Vol.27, pp.89-111.
- 26) Caldwell, R. & Boyd, C. P. (2009) Coping and resilience in farming families' affected by drought, *Rural and Remote Health*, 9, pp.10-88.
- 27) Dallago, L. & Perkins, D. D. & Santinello, M. & Boyce, W. & Molcho, M. & Morgan, A. (2009) Adolescent Place Attachment, Social Capital, and Perceived Safety: A Comparison of 13 Countries, *Am J Community Psychol*, Vol.44, pp.148 -160.
- 28) Gustafson, P. (2001) Meaning of Place: Every Day Experience and Theoretical Conceptualization, *Journal of Environmental Psychology*, Vol.21, pp.5- 16.
- 29) Hernandez. B. & Martin. A.M. & Ruiz, C. & Ma Del Carmen, H. (2010) The role of place identity and place attachment in breaking environmental protection laws, *Journal of Environmental Psychology*, Vol.30, pp.281-288.
- 30) Krannich, R. S. & Greider, T. (1984) Personal well-being in rapid growth and stable communities: Multiple indicators and contrasting results, *Rural Sociology*, Vol.49, pp.541-552.
- 31) Landry, C. (2006) *The art of city making*, 1 edition, London: Routledge.
- 32) Lee, T.H. & Shen, Y L. (2013) The influence of leisure involvement and place attachment on destination loyalty: Evidence from recreationists walking their dogs in urban parks, *Journal of Environmental Psychology*, Vol.33, pp.76- 85.
- 33) Lewicka, M. (2005) Ways to make people active: The role of place attachment, cultural capital, and neighborhood ties, *Journal of Environmental Psychology*, Vol.25, pp.381-395.
- 34) Lewicka, M. (2013) Localism and activity as two dimensions of people-place bonding: The role of cultural capital, *Journal of Environmental Psychology*, Vol.36, pp.43-53.
- 35) Mihaylov, N. & Perkins, D.D. (2014) Community place attachment and its role in social capital development, In book: *Place Attachment: Advances in Theory, Methods and Applications*, Edition: 1st, Chapter: 5, Routledge, pp.61-74.
- 36) Newcastle University's Centre for Urban & Regional Development Studies (CURDS), Newcastle University's International Centre for Cultural & Heritage Studies (ICCHS) and Bradley Research & Consulting (BR&C). (2009) *Sense of Place and Social Capital and the Historic Built Environment*. London: International Centre for Cultural and Heritage Studies, Report of Research for English Heritage.
- 37) Patterson, M. E. & Williams, D. R. (2005) Maintaining research traditions on place: Diversity of thought and scientific progress, *Journal of Environmental Psychology*, Vol.25, pp.361-380.
- 38) Payton, M. A. (2003) *Influence of Place Attachment and Social Capital on Civic Action: A Study at Sherburne National Wildlife Refuge*, master's thesis of Natural Resources Science and Management Program, University of Minnesota, June 2003.
- 39) Punter, J. (1991) Participation in the design of urban space, *Landscape Design*, Vol.200, pp.24-27.

- 40) Ram, Y. & Bjork, P. & Weidenfeld, A. (2016) Authenticity and place attachment of major visitor attractions, *Tourism Management*, Vol.52, pp.110-122.
- 41) Sack, R. D. (1997) *Homo geographicus: A framework for action, awareness and moral concern*, London: John Hopkins University Press.
- 42) Salvesen, D. (2002) The Making of Place, *Research on Place & Space Website*, 20 Feb. 2003; 12 Mar 2003, <<http://www.matr.net/print-4108.html>>.
- 43) Seamon, D. (1982) The phenomenological contribution to environmental psychology, *Journal of environmental psychology*, Vol. 2, pp.119-140.
- 44) Seamon, D. (1996) A singular impact. *Environmental & architectural phenomenology newsletter*, Vol.7, pp. 3-10.
- 45) Shamai, S. (1991) Sense of place: an empirical measurement, *Israel, geoforum*, Vol.22, pp.347-358.
- 46) Soini, K. & Vaarala, H. & Pouta, E. (2012) Residents' sense of place and landscape perceptions at the rural-urban interface, *Landscape and Urban Planning*, Vol.104, pp.124-134.
- 47) Steele, F. (1981) *The Sense of Place*, Boston: CBI Publishing Company.
- 48) Stefanovic, I. L. (1998) Phenomenological Encounters with Place: Cavtat to Square One, *Journal of Environmental Psychology*, Vol.18, pp.31-44.
- 49) Warner, F. (1999) Social capital construction and the role of the local state, *rural sociology*, pp. 120-159.
- 50) Xu, Y. (1995) Sense of Place and Identity, *Research on Place & Space Website*; 20 Feb. 2003; 12 Mar. 2003; <<http://www.eslarp.uiuc.edu/la/LA437-F95/repots/yards/main.html>>.